



اصفہا فلسفے مکتبہ

نخستین ہمایش بین المللی

مجموعہ مقالات برگزیدہ

— جلد اول —

بسم الله الرحمن الرحيم

مکتب فلسفی اصفهان اصطلاحی مستحدث نزد پژوهشگران عرصه‌ی مطالعات سنت حکمی و عرفانی عالم اسلام است. حکیمان حوزه‌ی اصفهان به خوبی نشان دادند که استمرار واقعی این سنت و انتقال روح آن از عصر فارابی و ابن سینا به بعد، نه از مجرای چهره‌هایی مانند ابن‌رشد اندلسی، که از طریق حکمایی مانند میرداماد، مؤسس مکتب اصفهان میسور است؛ و این طریقی بود که پیشتر به همت حکیمان و عارفانی مانند شیخ اشراق، ابن عربی، خواجه طوسی، ابن‌ترکه اصفهانی، سید حیدر آملی، ابن‌ابی‌جمهور احسایی و اعظم حوزه‌ی شیراز هموار شده بود.

نشاط فکری، رونق حوزه‌های درسی، جامعیت، تلفیق مشارب گوناگون فکری در عین خلاقیت و نوآوری، جمع میان عقلانیت و معنویت، پاسخ‌گویی به پرسش‌های روز و مهم‌تر از همه عرضه‌ی آموزه‌هایی برآمده از روح و باور شیعی، رویداد بزرگی بود که حاصل آن به تعبیر برخی از محققان معاصر **حکمت معنوی تشیع** است. این شیوه‌ی نوین فکری، توجهی ویژه به متن قرآن کریم و روایات و ادعیه‌ی مأثوره از پیشوایان دین داشت که با بهره‌گیری از تأویل توانست خلاء موجود در حکمت اسلامی دوران پیش از خود را به خوبی جبران کند.

حوزه‌ی فلسفی اصفهان، سایر مشارب فلسفی قدما را نیز در بطن خود حفظ و بازسازی کرد و حتی با توانی بیش از قبل، ضامن تداوم آن‌ها شد. از باب نمونه، بیشترین حواشی و تعلیقات بر شفا‌ی شیخ‌الرئیس در همین دوران نگاشته شد؛ متون حکمت اشراق به نحو گسترده شرح و تدریس می‌شد، و عرفان ابن‌عربی نیز همچنان رواج و تداوم داشت. افزون بر این، حکیمان متأله این حوزه، این توفیق را نیز داشتند که مکتب اخلاقی-عرفانی تشیع را قوام بخشیده و به تربیت نفوس و ارتقای معنوی اهل سلوک همت گمارند.

گفتنی است اصطلاح **مکتب فلسفی اصفهان** به جریان خاصی از حکمای اصفهان اطلاق نمی‌شود. در درون این مکتب، افزون بر حوزه‌ی میرداماد و شاگردانش که به **حکمت یمانی** نیز شهرت یافت، **حکمت ایمانی** یعنی طریق خاص فکری و عملی شیخ بهایی، **حکمت تطبیقی** که بر مدار آرای حکمی میرفندرسکی استوار شد، **حکمت متعالیه** صدرایی و بالاخره **حکمت تنزیهی** مالرجبعلی تبریزی نیز جای می‌گیرند.

آنچه از مآثر حکیمان متأله آن عصر طلایی در دوران صفویه از سده یازدهم هجری به بعد بر جای مانده است، مجموعه‌ای گرانسنگ از معارف حکمی به شمار می‌رود که از حیث کمّی و کیفی با هیچ دوره‌ای از ادوار و حوزه‌های از حوزه‌های فرهنگ کهن اسلامی ایران، پیش و پس از آن، قابل مقایسه نیست.

بر بخش بزرگی از این میراث عظیم فکری و معنوی، با گذشت سه- چهار سده، همچنان گرد غربت در کتابخانه‌های شخصی و عمومی نشسته است. آیا جای این پرسش نیست که حتی فهم صحیح حکمت صدرایی - که مشهورتر از سایر مشارب حکمی حوزه اصفهان است- جز با آگاهی بر فعالیت‌های فلسفی زمانه‌ی او و چالش‌های میان او با سایر مکاتب و جریان‌ها چگونه ممکن است؟ نیز چگونه می‌توان به طرح حکمت و فلسفه‌ای زنده، مؤثر و تحرک‌زا در ایران برای مواجهه با مقتضیات عالم معاصر، جز با اِشراف بر آثار و مآثر فلسفی آن عهد باشکوه، توفیق یافت؟

در چند دهه‌ی گذشته استادان و محققانی از جمله شادروان استاد سید جلال‌الدین آشتیانی به پیشنهاد اسلام‌شناس فقید فرانسوی هانری کرین در جهت معرفی آثار حکمای شیعی عصر صفوی به چاپ و انتشار نمونه‌هایی از متون حکمی و عرفانی حکمای اصفهان از میرداماد و میرفندرسکی تا بیدآبادی و نراقی در چهار مجلد مبادرت نمودند. چند سال پیش نیز در همایش بین‌المللی «از اصفهان تا قرطبه» پاره‌ای از متون حکمای اصفهان چاپ و منتشر شد. با وجود این، ثلث آثار حکمی به جای مانده از حکیمان اصفهان نیز هنوز چاپ نشده است؛ از این‌رو به نظر می‌رسید که بهانه‌ی گردهمایی بین‌المللی، می‌تواند زمینه‌ی مناسبی را برای اِیحای آثار این بزرگان فراهم آورد و برای نخستین‌بار به گونه‌ای مستقیم و با محوریت کتب و آثار حکیمان اصفهان عصر صفوی به نشر آن‌ها مبادرت نمود.

پس از اعلام فراخوان **همایش بین‌المللی مکتب فلسفی اصفهان** و آغاز به کار دبیرخانه و کمیته-ی علمی همایش، نخست دست به کاربرسی مقالات رسیده شدیم. این مقالات در سه سطح استادان، دانشجویان و همکاری استاد و دانشجو ارائه گردید که تمامی آن‌ها توسط داوران محترم ارزیابی و پس از تایید نهایی جهت چاپ و انتشار در مجموعه مقالات همایش آماده شد. فهرست مجموعه مقالات همایش بر اساس حروف الفبای نام خانوادگی نویسندگان تنظیم شد و نمایه‌ای نیز بر پایه‌ی حروف الفبای موضوعات مقالات در آخر مجموعه افزوده شد. از آن‌جا که حجم مقالات رسیده گنجایش بیش از یک مجله را داشت و از سوی دیگر در سه سطح مذکور ارائه شده بود، تصمیم گرفته شد که مقالات در سه مجلد چاپ و منتشر گردد. گفتنی است که چون شماری از مقالات دریافت شده از نظر داوران محترم دارای درجه‌ی علمی-پژوهشی بود، مقرر گردید که مقالات مذکور در مجله‌ی علمی پژوهشی تایخ فلسفه وابسته به بنیاد اسلامی حکمت صدرا نیز جداگانه چاپ شود که بدین‌وسیله از مسئولان آن مجله‌ی وزین به ویژه سردبیر محترم آن تشکر و قدردانی می‌شود. افزون بر کار بررسی مقالات رسیده، تصحیح و تحقیق آثاری از حکیمان این حوزه و نیز نگارش کتاب‌های جداگانه درباره‌ی فعالیت‌های فلسفی این دوره و معرفی حکمای اصفهان، در دستور کار دبیرخانه‌ی همایش قرار گرفت.

آن دسته از آثاری که امیدواریم برای این همایش انتشار یابند، از این قرارند:

شرح التائیه الکبریٰ صائن الدین علی ابن التکره اصفهانی، الشوارق ابوالحسن قاتنی کاشانی، الافق المبین میرداماد، رساله الايقاظات فی خلق الاعمال میرداماد، خطفات القدس میر سید احمد علوی، الکلمة الطیبة فیاض لاهیجی، شرح فارسی تهذیب المنطق فیاض لاهیجی، بیان الاسرار (در شرح مصباح الشریعه) شیخ حسین زاهدی، مجموعه رسائل فارسی ملا اسماعیل خاتون آبادی، شرح العرشیه ملا اسماعیل واحد العین، ساقی نامه‌ی ابوطالب فندرسکی، سیر تحول حوزه فلسفی اصفهان از ابن سینا تا ملاصدرا، مکتب فلسفی شیراز، مکتب فلسفی اصفهان، فرهنگ اصطلاحات کلامی فیاض لاهیجی، جریان های فکری حوزه علمیه اصفهان، دیدار با فیلسوفان سپاهان، مکتب فلسفی اصفهان از دیدگاه دانش پژوهان.

البته این گامی است نخست در معرفی میراث حکمی و معنوی تشیع؛ و از آن جا که انتشار این حجم از آثار به جای مانده، کار و برنامه‌ی موسعی را می‌طلبد، تصمیم بر این شد تا قلمرو منشورات نخستین همایش مکتب فلسفی اصفهان، به آثار حکمای عصر صفوی از میرداماد تا حکیم خواجه‌ی اختصاص یابد. این مجال که به لطف و عنایت حق و حسن توجه تنی چند از محققان و فضالی گرانقدر و شماری از نهادها و مراکز و مؤسسات دینی و پژوهشی فراهم شد، به مثابه‌ی آغاز راه و طلیعه‌ی عرصه‌ای است سرشار از ذخائر علمی و معنوی.

امید آن که بتوانیم با استعانت از توفیقات پروردگار حکیم و مساعدت‌های مسئولان فرهنگی کشور و کلیه‌ی علاقمندان به احیای حکمت اصیل شیعی، گام‌های بعدی و مؤثرتری را در خصوص احیای آثار سایر حکمای اصفهان برداریم.

گروه فلسفه‌ی دانشگاه اصفهان به عنوان برگزارکننده‌ی این همایش، با سپاس از الطاف ایزد بی‌همتا، از کلیه‌ی شخصیت‌های حقیقی و حقوقی، مسئولان اجرایی، اساتید و دانشجویانی که ما را در هر چه بهتر برگزار شدن همایش، امور اجرایی آن، چاپ و نشر آثار و سایر موارد یاری نمودند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌نماید.

۱- اعضای شورای سیاست‌گذاری:

آقایان آیت الله حاج سید محمد خامنه‌ای، حجه الاسلام و المسلمین دکتر عبدالحسین خسروپناه، حجه الاسلام والمسلمین حاج شیخ حسن مظاهری، دکتر محمد حسین رامشت، دکتر محمد بیدهندی،

دکتر حسین کلباسی، دکتر سید مرتضی سقائیان نژاد، دکتر مهدی جمالی نژاد، دکتر احمد علی فروغی، دکتر محمد فضیلتی، مهندس مصطفی بهبهانی، سردار کریم نصر اصفهانی، مهندس علی کلباسی.

۲- اعضای کمیته‌ی علمی (به ترتیب الفبا):

آقایان دکتر محمدعلی اژه‌ای، دکتر مهدی امامی جمعه، دکتر مرتضی حاج حسینی، دکتر مهدی دهباشی، دکتر علی ربانی، دکتر جعفر شانظری، دکتر مجید صادقی، دکتر محسن محمدی فشارکی، دکتر محمد مشکات، دکتر اصغر منتظر القائم، دکتر سید علی اصغر میرباقری فرد، دکتر حامد ناجی اصفهانی، حجه الاسلام و المسلمین حاج شیخ مجید هادی زاده.

۳- ریاست محترم مرکز مطالعات و پژوهش‌های شورای اسلامی شهر اصفهان جناب آقای مهندس بهبهانی که از حامیان اصلی برگزاری همایش بوده و چاپ سه جلد مجموعه مقالات همایش را نیز بر عهده گرفتند، صمیمانه تشکر می‌نمایم.

۴- دانشگاه‌هایی که در شهر اصفهان حق‌التحقیق صاحبان آثار و منشوراتی که به چاپ خواهد رسید را به عهده گرفته‌اند:

الف) دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان ب) دانشگاه پیام نور استان اصفهان. بدین‌وسیله از رؤسای محترم، معاونین پژوهشی و سایر مسئولان این دو دانشگاه قدردانی و تشکر می‌نمایم.

۵- جناب آقای سعید محمدی دبیر کمیته‌ی اجرایی و نیز دبیر مرکز مطالعات و پژوهش‌های شورای اسلامی شهر اصفهان.

۶- سرکار خانم فریده کوه‌رنگ بهشتی مسئول دبیرخانه‌ی همایش و نیز سایر دانشجویان گروه‌های فلسفه و الهیات (فلسفه و کلام اسلامی).

علی کرباسی زاده اصفهانی
دبیر علمی نخستین همایش
بین‌المللی مکتب فلسفی اصفهان

فهرست

دکتر زهرا اخوان صراف

تحلیل و بررسی دیدگاه مجلسی دوم درباره فلسفه و حکمت ۱۱

دکتر محمد حسن ادریسی

اهمیت شعر و شاعری در عصر صفویه ۳۹

دکتر فتحعلی اکبری

وحدت دین و فلسفه در حکمت متعالیه ۵۹

دکتر سید مهدی امامی جمعه

آفاق هرمنوتیکی حکمت متعالیه و رسالت اجتماعی، فرهنگی ملاصدرا ۶۹

دکتر فرزاد بالو/ دکترمهدی خبازی کناری

نگاهی تطبیقی به مشرق الانوار میرداماد و مخزن الاسرار نظامی ۸۷

دکتر اعظم رجالی

سیر عرفان در اصفهان از قرن دوازدهم تا عصر حاضر ۱۰۵

دکتر فروغ السادات رحیم پور

نمود بینش و منش شیخ بهایی و مجلسی (دوم) در رسایل اعتقادی ایشان ۱۲۹

دکتر محمود زراعت پیشه

نقد و بررسی تقسیم سه گانه حمل نزد میرداماد ۱۵۳

دکتر علی اکبر زمانی نژاد

درسهای اخلاقی و عرفانی آقا حسین خوانساری ۱۷۱

دکتر شهناز شایان‌فر

مختصات عرفان راستین نزد فیض کاشانی ۲۰۳

دکتر غلامحسین شریفی ولدانی

رشحه ای از سحاب (بررسی تأثیرپذیری سحاب اصفهانی از شعر عهد صفوی) ۲۱۵

دکتر عبدالله صلواتی

انواع انسانی نزد ملاصدرا و فیض کاشانی ۲۳۱

دکتر سید صدرالدین طاهری

اصول بنیادین نظریه ی ملاصدرا درباره ی معاد جسمانی از دیدگاه فلاسفه ی مکتب اصفهان ۲۴۳

حجه الاسلام و المسلمین احمد عابدینی نجف آبادی

بررسی حرکت، در جواهر مجرد ۲۶۳

دکتر سیداحمدعقیلی

سیرتاریخی مکتب فلسفی اصفهان از سقوط صفویه تا برآمدن قاجار ۱۱۳۵-۱۲۱۰ق ۲۷۷

دکتر غلامحسین عمادزاده

بررسی دیدگاه آقاحسین خوانساری به برخی از مبانی اصالت وجود صدرایی ۳۱۱

دکتر علیرضا فاضلی

روش شناسی سید قطب الدین نیریزی در مباحث عرفان نظری ۳۲۳

دکتر علی کرباسی زاده اصفهانی

نگاهی به احوال و اندیشه های علامه خاتون آبادی و معرفی رساله کشف الحیرت ۳۳۷

دکتر رضا ماحوزی

تبیین ساختار هستی‌شناختی اعیان؛ گفتگوی تطبیقی حکمای مکتب اصفهان و فیلسوفان معاصر ۳۵۵

دکتر محمد مشکات

فلسفه تکنولوژی بر مبنای صدرالمتألهین و از منظر هایدگر ۳۷۱

دکتر محمد مهدی مشکاتی

تحلیل دیدگاه حکیم خواجهی در باره معاد جسمانی ۳۹۹

دکتر امراله معین

تأثیر نگرش فلسفی کرین بر دیدگاه او در مورد اصفهان: مدینه ی تمثیلی ۴۱۵

دکتر حامد ناجی

گذری بر زندگی پیترو دل‌اواله ۴۳۱

دکتر سیما سادات نوربخش

ملاصدرا و مبحث عالم مثال در فلسفه سهروردی ۴۴۵

دکتر سید حسین واعظی

تحلیل و بررسی باب سوم از رساله زواهر الحکم (میرزا حسن لاهیجی) ۴۶۵

نمایه عنوان مقالات ۴۸۶

فهرست منابع

۱. ابن سینا، معراج نامه، مقدمه و تصحیح و تعلیق نجیب مایل هروی، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، چاپ دوم، مشهد، ۱۳۶۶
۲. ابن سینا، پنج رساله، با مقدمه و حواشی و تصحیح احسان یار شاطر، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ۱۳۸۳
۳. احمدی، بابک، ساختار و تاویل متن، نشر مرکز، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۸۰
۴. احمدی بابک، حقیقت و زیبایی، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۴
۵. رسول، جعفریان، دین و سیاست در دوره ی صفوی، انتشارات انصاریان، قم، بی تا
۶. دینانی، ابراهیم، ماجرای فکر فلسفی، ج ۳، طرح نو، تهران، ۱۳۷۹
۷. شایگان، داریوش، افسون زدگی جدید، ترجمه ی فاطمه ولیانی، نشر فرزانه روز، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۰.
۸. صدرالمتالهین، المشاعر، کتاب خانه ظهوری، چاپ دوم، بی جا، ۱۳۶۳
۹. صدرالمتالهین، تفسیر القرآن الکریم، دوره ی هفت جلدی، انتشارات بیدار، قم، ۱۴۱۱ ق.
۱۰. صدر المتالهین، رساله ی سه اصل، به تصحیح حسین نصر، انتشارات مولی، چاپ دوم، بی جا، ۱۳۶۰
۱۱. صدرالمتالهین، مفاتیح الغیب، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۶۳
۱۲. صدرالمتالهین، کسر اصنام الجاهلیه، بنیاد حکمت اسلامی صدرا، تهران، ۱۳۸۱
۱۳. صدرالمتالهین، شرح اصول کافی، مکتبه المحمودی، چاپ سنگی، تهران، ۱۳۹۱
۱۴. صدرالمتالهین، الحکمه المتعالیه، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۹۸۱.
۱۵. صدرالمتالهین، الشواهد الربوبیه، با تصحیح و تعلیق و مقدمه سید جلال الدین آشتیانی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۰
۱۶. فارابی، رسائل فارابی (فصوص الحکم)، مطبعه مجلس دائرة المعارف العثمانیه، هند (حیدر آباد دکن)، ۱۹۲۶ م.
۱۷. گرجی ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقها، سمت، تهران، ۱۳۷۵
۱۸. مجلسی، محمدباقر، مرأه العقول، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۳
۱۹. میرداماد، القبسات، به کوشش مهدی محقق، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۷
۲۰. هوی، دیوید، حلقه ی انتقادی، ترجمه مراد فرهادپور، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۸

نگاهی تطبیقی به مشرق الانوار میرداماد و مخزن الاسرار نظامی

فرزاد بالو^۱ / مهدی خبازی کناری^۲

چکیده

فیلسوفان مسلمان از دیرباز شعر می سروده اند. ابونصر فارابی و ابن سینا از آن جمله اند. امادراین میان، مکتب فلسفی اصفهان جایگاه ممتاز و ویژه دارد. به گونه ای که تقریباً همه ی فیلسوفان بزرگ این مکتب مانند میرداماد، ملاصدرا، شیخ بهایی، میرفندرسکی و... به موازات تفلسف و تاملات عقلانی، به طور جدی به سرایش شعر اهتمام داشته اند. میرداماد که از بزرگان این مکتب محسوب می شود دیوان شعری دارد که شامل مثنوی مشرق الانوار، غزلیات، قصاید و رباعیات است. او "اشراق" تخلص می کرده و مثنوی مشرق الانوار را در جواب و به نوعی شرح مخزن الاسرار نظامی سروده است. اگرچه مخزن الاسرار خود شاهکاری در شیوه ی تحقیق و بنای استواری در زمینه ی شعر تعلیمی به شمار می آید، اما مشرق الانوار میرداماد هم از لحاظ ساختار (چینش موضوعی، موسیقی، ترکیبات زبانی، استعار پردازی ها و...) و هم از لحاظ محتوا (اشارات و اصطلاحات فلسفی و عرفانی و...) ویژگی هایی دارد که در صورت مقایسه ی آن با مخزن الاسرار نظامی، امتیازات زبانی، فکری و ادبی آن آشکار می گردد و در پرتو آن چهره ی ادبی میرداماد به نحو مطلوبی نمایان می شود. مقاله ی حاضر به طرح و شرح این ماجرا خواهد پرداخت.

واژگان کلیدی: مشرق الانوار میرداماد، مخزن الاسرار نظامی، ساختار، محتوا، استعارپردازی، اشارات فلسفی و عرفانی

۱- استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران

۲- استادیار فلسفه جدید و معاصر غرب دانشگاه مازندران

درآمد

با توزق و تأملی در تذکره‌های عصر صفوی، به‌روشنی درمی‌یابیم که بسیاری از فلاسفه و فقهای این دوره، با شعر و سرایش شعر، پیوند عمیق و وثیقی داشته‌اند. به‌گونه‌ای که دیوان-های به‌جامانده از آنان، خود در حکم تأییدی برای این مدّعاست. از حرّ عاملی صاحب وسایل-الشیعه گرفته تا شیخ بهایی، میرفندرسکی، ملاصدرا و ملا محسن فیض کاشانی و... در این فهرست طولانی قرار می‌گیرند. به‌ویژه، تقریباً هیچ فیلسوف شاخص عصر صفویه را نمی‌توان یافت که آثار منظم از وی به جا نمانده باشد. میرداماد نیز که خود از فلاسفه‌ی بزرگ دوره‌ی صفویه محسوب می‌شود، «در بسیاری از مسایل فلسفی مشایی مشرب است و زیر سیطره‌ی اندیشه‌های شیخ ابوعلی سینا قرار دارد ولی با این همه از نوعی نفوذ و تاثیر شخصیت سهروردی برکنار نیست و نسیم انفاس این فیلسوف اشراقی از خلال آثار او به مشام جان می‌رسد.» (ابراهیمی دینانی، ۱۳۷۷: ۳۰۴). وی دیوان شعری از خود به یادگار گذاشته است و به «اشراق» تخلص می‌کرد، در قالب‌های مختلف شعری مانند قصیده، رباعی، مثنوی و غزلیات، طبع‌آزمایی کرده است.

بخش مهمی از دیوان اشعار میرداماد، مثنوی مشرق‌الانوار اوست که در جواب مخزن-الاسرار سروده است. از نشانه‌های توجه خاصّ به مخزن‌الاسرار در عصر شاه عباس، آن است که وی از شفائی و اوحدی و برخی دیگر از شاعران خواست که مثنوی حیدر تلبه از شعرای ترک را در بحر مخزن‌الاسرار نظامی به فارسی درآورند و «اوحدی به فرمان او حکایتی چند از مثنوی ترکی را به فارسی ساخت و مجمع‌الانهار یا کعبه‌ی دیدار نام نهاد و حکیم شفائی نیز حکایاتی دیگر از آن مثنوی را فارسی کرد.» (ر.ک. میرداماد، ۱۳۸۵: یک صد و یازده، پیشگفتار جویا جهانبخش)

باری، میرداماد با تاسی از نظامی که مخزن‌الاسرار را با بیت

بسم الله الرحمن الرحيم هست کلید در گنج حکیم

آغاز می‌کند مطلع مشرق را با بیت

بسم الله الرحمن الرحيم فاتحه‌ی مصحف امید و بیم

می‌آغازد و در پایان مشرق‌الانوار نیز به تصریح از مخزن‌الاسرار نام می‌برد و بر این نکته تأکید می‌ورزد که در سرودن مثنوی مشرق‌الانوار به مخزن‌الاسرار نظر داشته است:

از قلم فیض رقم کردمش مشرق‌الانوار علم کردمش

نور خرد مشرق‌الانوار باد سایه او مخزن‌الاسرار باد
(دیوان، ۵)

نکته‌ای که بغایت قابل تأمل به نظر می‌رسد، این لطیفه است که مثنوی مشرق‌الانوار با «سبب طرح این چمن گلستان معانی» به پایان می‌رسد؛ یعنی میرداماد پس از آن که درباره‌ی علت سرایش این اثر مطالبی را بیان می‌دارد، مثنوی مشرق‌الانوار نیز به پایان راه خود می‌رسد. حال آن که چنین موضوعی مشرق‌الانوار به گونه‌ای در کنار هم تدوین شده است که پس از تمهید همه‌ی مقدمات، این انتظار و توقع در مخاطب به وضوح احساس می‌شود که منتظر فصول و ابواب دیگر این کتاب نیز باید بود؛ اما گویی به هر دلیل نامعلوم، ناتمام و ناقص می‌ماند.

براساس مطالعات سبک شناختی متداول و مرسوم، عصر صفوی، به نام سبک هندی نام-بردار است. این میان اگرچه عناصر سبک هندی در شعر میرداماد هم به چشم می‌خورد، اما با این حال، وی همانند شیخ بهایی به سبک عراقی توجه و اهتمام بیشتری داشته است. او به تصریح دیوانش، اوقات فراغت را به سرودن شعر اختصاص می‌داد. چنان که در مثنوی مشرق‌الانوار می‌گوید:

چون که نهم بر سر هر نسخه تاج از کتب قوم ستاند خراج

صاف کنم باده‌ی علم از شبه حال کنم بر شک و شبهه تبه

دور زمان نیز کنم صرف شعر گاه زبان تر کنم از حرف شعر

در بر دانش فکنم طفل وقت نیز به اشعار و هم ثفل وقت

(دیوان، ۲۸)

حکیم جمال الدین ابومحمد الیاس بن زکی بن موید متخلص به نظامی بزرگترین شاعر داستانسرایی عرصه‌ی پهناور ادب فارسی است که در قرن ششم و هفتم می‌زیسته است. در سن سی و هفت سالگی موفق به سرودن مخزن‌الاسرار شد. عمده‌ی شهرت وی به سبب

مثنویهای پنجگانه ی اوست که به خمسه ی نظامی معروف است . نظامی در تاریخ و فنون و ادب و قصص نیز دستی توانا داشت و در معارف و علوم دینی از اطلاع وسیعی برخوردار بود. از منظر سبک‌شناختی و بر اساس تقسیم‌بندی‌های رایج، نظامی به همراه شاعرانی چون خاقانی، مجیرالدین بیلقانی و فلکی شروانی در حوزه‌ی مکتب آذربایجان (ازان) قرار می‌گیرد؛ (ر.ک شمیسا ، ۱۳۸۲: ۱۴۲ - ۱۷۰) اما به‌طور کلی می‌توان گفت اشعار نظامی از نظر مختصات زبانی به سبک خراسانی نزدیک است و از لحاظ ویژگی‌های ادبی و فکری، به مختصات سبک عراقی بسیار شبیه می‌باشد.

خودِ نظامی، طرز سخن خود را عراقی می‌داند:

چرا گشتی در این بیغوله پابست چنین نقد عراقی در کف دست

ساختار شعری مشرق الانوار میرداماد و مخزن الاسرار نظامی براساس مطالعات سبک‌شناختی

نظامی پس از آن‌که در بخش آغازین، به تحمیدیّه، نعت رسول(ص)، مدح بهرام‌شاه، مقام و مرتبت این اثر، برترین سخن منظوم و منثور و... می‌پردازد، حاصل اندیشه‌های خود را در بیت بیست و یک خاتمه در باب زهد و عرفان به تصویر می‌کشد. در این اثر از موضوعاتی از قبیل: هبوط آدم و توبه و بازگشت او به خدا، محافظت عدل و رعایت انصاف، ناپایداری عالم و لزوم پشت پا زدن به آن، حسن رعایت خلق بر پادشاه، ایام پیری و قناعت، لزوم تأمل در اتقان صنع و تفکر در احوال جهان و... تا سخنان تند و عتاب‌آلود بر بیدادگران، دورویان و رشک بران زمانه و... سخن رفته است. آن‌چه که این مقالات بیست‌گانه را از رخوت و خشکی واعظانه می‌رهاند، قصّه‌های کوتاه و دل‌نشینی است که به مناسبت در ذیل هر مقاله می‌آید.

ترتیب بخش‌های مختلف مشرق الانوار بدینصورت است: مناجات اوّل توحیدی، مناجات دوم توحیدی و تمجیدی، مناجات سیم استغفاری در طلب مغفرت از خداوند عظیم، نعت سیدالمرسلین و امیرالمؤمنین، فصل‌الخطاب فی منقبت علی علیه‌السلام، خطاب زمین‌بوس ائمه طاهرین صلوات‌الله علیهم اجمعین، مخاطبه خاتم‌الائمه و سرانجام با سبب طرح این چمن گلستان معانی(مشرق‌الانوار) پایان می‌گیرد.

سبک زبانی

نظامی، مخزن‌الاسرار را در ۲۲۵۷ بیت سروده است. تازگی معانی و ابداع ترکیبات تازه از یکسو و کثرت لغات عربی، اصطلاحات علوم و اصول و مبانی کلامی و فلسفی از دیگرسو، بر دشواری و پیچیدگی اشعار این شاعر افزوده است. علاوه بر این، آن‌چه که اشعار نظامی را در سطح زبانی، دیرپاب و دشوار ساخته است، ریشه در این واقعیت زبان‌شناختی دارد که زبان فارسی دری، زبان مادری نظامی نبوده؛ بلکه آن را در مدرسه و مکتب آموخته است. بنابراین نظامی اشعار خود را نه به زبان مادری‌اش، بلکه به زبان ادبی زمانه‌اش سروده است. بسامد کلمات عربی در مخزن‌الاسرار، نسبتاً زیاد است. بی‌تردید موضوع اثر (زهد و عرفان) در این مسأله تأثیرگذار بوده است.

میرداماد، مشرق‌الانوار را در ۳۳۱ بیت و در جواب نظامی سروده است. برخلاف نثر معقد و پیچیده‌اش در آثار فلسفی مانند القبسات و الصراط‌المستقیم، دیوان شعرش از نظمی روان و زیبا برخوردار است.

صراط المستقیم میرداماد مسلمان نشنود کافر مبیناد

هر دو اثر در وزن سریع و در قالب مثنوی سروده شده‌اند و این تناقض ظاهری ناشی از عدم تناسب میان محتوایی عارفانه و زاهدانه با وزن تند و شاد را به شایستگی و با مهارت و چیرگی جمع کرده‌اند. نظامی، مخزن‌الاسرار را در ۲۲۵۷ بیت سروده است. تازگی معانی و ابداع ترکیبات تازه از یکسو و کثرت لغات عربی، اصطلاحات علوم و اصول و مبانی کلامی و فلسفی از دیگرسو، بر دشواری و پیچیدگی اشعار این شاعر افزوده است. علاوه بر این، آن‌چه که اشعار نظامی را در سطح زبانی، دیرپاب و دشوار ساخته است، ریشه در این واقعیت زبان‌شناختی دارد که زبان فارسی دری، زبان مادری نظامی نبوده؛ بلکه آن را در مدرسه و مکتب آموخته است. بنابراین نظامی اشعار خود را نه به زبان مادری‌اش، بلکه به زبان ادبی زمانه‌اش سروده است. بسامد کلمات عربی در مخزن‌الاسرار، نسبتاً زیاد است. بی‌تردید موضوع اثر (زهد و عرفان) در این مسأله تأثیرگذار بوده است. میرداماد، مشرق‌الانوار را در ۳۳۱ بیت و در جواب نظامی سروده است. برخلاف نثر معقد و پیچیده‌اش در آثار فلسفی مانند القبسات و الصراط‌المستقیم، دیوان شعرش از نظمی روان و زیبا برخوردار است.

صراط المستقیم میرداماد مسلمان نشنود کافر مبیناد

سبک فکری

یکی از القاب و عناوینی که برای نظامی به کار می‌برند، «حکیم» است. گرچه درباره‌ی حدود و ثغور آن، رای دقیق و روشنی وجود ندارد، (ر.ک حمیدیان، ۱۳۷۳: ۱۹-۲۰) اما آنچه که از مقایسه‌ی میان مخزن‌الاسرار و مشرق‌الانوار میرداماد برمی‌آید، حاوی این نکته است که در یک برآیند کلی، عنصر بیان در شعر نظامی، برجستگی بیشتری نسبت به اندیشه‌ی شاعر دارد؛ در مقابل، عنصر اندیشه در شعر میرداماد، بر عنصر بیانی چربش و چیرگی بیشتری دارد. این مقوله، به‌ویژه در پاره‌ای از احتجاجات و مباحث کلامی و فلسفی که در شعر هر دو شاعر نمود پیدا می‌کند، خودش را بهتر نشان می‌دهد. فی‌المثل وقتی که نظامی از معراج پیامبر(ص) سخن می‌گوید، بر مبنای کلام اشعری، عقیده‌ی رؤیت خداوند توسط پیامبر(ص) را با چشم سر تأیید می‌کند؛ بی‌آن‌که ارائه‌ی منطقی و عقلایی را پشتوانه‌ی ادعای خود سازد:

آیت نوری که زوالش نبود دید به چشمی که خیالش نبود

دیدن او بی عرض و جوهر است گر عرض و جوهر از آن‌سوتر است

مطلق از آن‌جا که پسندید نیست دید خرد راه خدا دید نیست

دیدنش از دیده نباید نهفت کوری آن‌کس که «به دیده» نگفت

دید پیامبر، نه به چشمی دگر بلکه بدین چشم سر، این چشم سر...

(دیوان، ۱۰ و ۹)

اما میرداماد با پیشینه‌ی عقلی و فلسفی عمیقی که دارد به واقع حکیمانه سخن می‌گوید. فی‌المثل وقتی به توصیف توحید می‌پردازد، با بن‌مایه‌های فلسفی عمیق آن را می‌کاود:

ای سخت نُقلِ سرِ خوانِ عقل خاک رهت توشه‌ی انبان خلق

محو تو ابصار به دور و شمسو خلل تو انوار عقول نفوس

پی سپر از نور خورت شبهه‌ها نورور از خاک درت جبهه‌ها
چرخ یکی گردش پرگار توست نور خور از سایه‌ی دیوار توست
مزرع ابداع قنات از تو یافت جوی وجود آب حیات از تو یافت...

(دیوان، ۱۲)

میرداماد، آن‌چنان که از بیتی در مشرق‌الانوار برمی‌آید، این مثنوی را در بیست سالگی سروده است:

بیست مرا سال ز دور قمر لیک به دانش ز خرد پیرتر

(دیوان، ۲۵)

نظامی هم مخزن‌الاسرار را زمانی سروده که کمتر از چهل سال داشته است و منتظر فرارسیدن چهل‌سالگی که سال پختگی و شکوفایی ذهن یک شاعر است، بوده. چنان‌که در مخزن‌الاسرار می‌گوید:

طبع که با عقل به دلالتی است منتظر نقد چهل سالگی است

پانصد و هفتاد بس ایام خواب روز بلند است به مجلس شتاب

اشاره به مسائل کلامی و فلسفی:

مشرق‌الانوار

کنه وی آینه‌ی عرفان ندید رؤیت او دیده‌ی امکان ندید (۹)

ای ز تو نه طاق فلک پر شروق وی ز تو آراسته این چارسوق

داغ تو بر جبهه‌ی روح‌القدس خاک درت آب چهار اسطقس

ذات تو مصداق وجود صفات ای که صفات تو همه عین ذات

گردن ما سخره‌ی طوق فنا	ملک قدم خاص مسلم تو را(۱۰)
کنه تو اندیشه تصور نکرد	جام تصوّر ز تو کس پر نکرد
عقل به تأیید دلیل و قیاس	گفت نهد معرفت را اساس(۱۱)
گشته ولود از تو چمن، دی مقیم	از تو فلک سایر و مرکز مقیم
ور نکنی گردش گردون قبول	چرخ شود ساکن و مرکز عجول(۱۳)
وهم به حکم تو رئیس قوا	عقل غریزی ز تو شد مقتدا(۱۳)
سفت هیولی چه که عقل نخست	غاشیه‌گردان غلامی توست(۱۳)
حامل دین، عیبه علم خدا	عقل دهم کرده بر او اقتدا(۱۹)

توصیف به کمک مفاهیم و مصطلحات علمی به‌ویژه نجوم

مشرق‌الانوار

مشعله‌افروز	نجوم	یقین	کوکبه	سوز	خرد	تیزبین
طرح‌کنِ دفتر هر شش جهت	پایه‌نه	غرفه‌ی	نه	منزلت		
موجد هر ذره که گیرد وجود	بر در او نه	فلک اندر سجود(۷)				
کوکب از او یافت هبوط و صعود	کامل از او	گشت عیار	نقود			
سلطنت چرخ به خورشید داد	مملکت عیش	به	ناهدید	داد		

کلک هنر، نامزد تیر کرد
منزل کوکب دل تدویر کرد
جرم زمین مرکز افلاک کرد
مسکن ما در کره‌ی خاک کرد(۸)

مخزن الاسرار

گوهر شب را به شب عنبرین
گاو فلک برد ز گاو زمین
خوشه کزو سنبل تر ساخته
سنبله را بر اسد انداخته
تا شب او را چه قدر هست
زه‌ری شب‌سنج ترازو به دست
سنگ ورا کرده ترازو سجود
زانکه به مقدار ترازو نبود
ریخته نوش از دم سیسنبری
بر دم این عقرب نیلوفری
چون ز کمان تیر شکرزخمه ریخت
زه‌ره ز بزغاله‌ی خوانش گریخت
کوکب از او یافت هبوط و صعود
کامل از او گشت عیار نقود
قالب جان را به هنر زنده کرد
حلقه‌ی دانش ز دُر آکنده کرد
دُر شرف در صدف دل نهاد
دور افق بر کمر گل نهاد
سلطنت چرخ به خورشید داد
مملکت عیش به ناهید داد
کلک هنر، نامزد تیر کر
منزل کوکب دل تدویر کرد(۸)

سبک ادبی

نظامی و میرداماد، عناصر متعددی را در تشبیهات خود مورد توجه قرار داده‌اند. انسان و اوصاف او، مفاهیم مجرد و انتزاعی، اجرام آسمانی، طبیعت، حیوانات، ابزار و اشیاء و... از آن جمله‌اند. در این میان، با وجود آن که هر دو شاعر بر تبحر و بی‌همانندی خویش در عرصه‌ی سخنوری داد سخن داده‌اند اما در بسیاری از تشبیهات تحت تأثیر سنت ادبی عصر خود و پیش از خود قرار دارند. با این حال، به پاره‌ای از ترکیبات تشبیهی تازه و نو در شعر هر دو شاعر بر می‌خوریم که سهم میرداماد در مشرق الانوار بیش از نظامی در مخزن الاسرار است. اکنون به نمونه‌هایی از مضمون پردازی‌های مشترک این دو شاعر در بکارگیری از ترکیبات تشبیهی اشاره می‌کنیم:

- موضوعات و اجرام آسمانی

نظامی

تاج تو و تخت تو دارد جهان تخت زمین آمد و تاج آسمان

(۱۰)

پیرفلک خرقه بخواهد درید مهره گل رشته بخواهد درید

(۵۹)

میرداماد

اطلس چرخ از کرمش خرقه ایست نه فلک از درگه او حلقه ایست

(۹)

هر که در این طارم اخضر رسید خاک رخت سرمه خورشید دید

(۱۳)

نظامی

- انسان و اوصاف و جوارح انسانی

نخل زبان را رطب نوش داد در سخن را صدف گوش داد

(۲۰)

گوش سخا را ادب آموز کن شمع سخن را نفس آموز کن

(۱۶)

میرداماد

ملک بدن کرد و رعیت قوا نفس مجرد شه و دل پیشوا

(۸)

قد ابد ، پیش بقای توپست قامت معنی، زثنای تو پست

(۱۰)

- مفاهیم مجرد و انتزاعی
نظامی

عدل تو قندیل شب افروز توست مونس فردای تو امروز توست

(۴۵)

درسفری کان ره آزادی است شحنه غم پیشرو شادی است

(۴۹)

میرداماد

هرکه جز او کوی فنا مسکنش سخره سیلی عدم گردنش

(۹)

نسخه که سازم ز زر وسیم و علم ملک خرد باشد و اقلیم علم

(۲۸)

- حیوانات

نظامی

جغد که شوم است به افسانه در بلبل گنج است به ویرانه در

(۵۱)

میرداماد

بلبل فضلیم ، زهنرباغ من ناصیه معرفت از داغ من

(۲۵)

-رستنی ها

نظامی

لاله به آتشگه راز آمده چون مغ هندو به نماز آمده

(۲۶)

میرداماد

عمر مرا در چمن عنفوان خون به تن افسرد زیادخزان

(۲۶)

- اشیاء و ابزار

نظامی

شمع چو ساقی قدح می به دست طشت می آلوده و پروانه مست

(۲۹)

میرداماد

نیست چو پرگار جوانی درست کلک مرا هم شده پرگار سست

(۲۶)

تلمیح

مخزن الاسرار

کیست در این دیرگه دیرپای کولمن الملک زند جز خدای (۳)

زلف زمین در بر عالم فکند خال عصا بر رخ آدم فکند (۵)

ای همه هستی زتوپیداشده خاک ضعیف از تو توانا شده (۷)

چون ملک العرش جهان آفرید مملکت صورت و جان آفرید (۴۹)

رنج نه فریاد رسی راحت است در عقب رنج بسی راحت است (۱۰۱)

تا پی از این زنگی و رومی تراست داغ ظلومی و جهولی تراست (۹۶)

مشرق الانوار

بسم الله الرحمن الرحيم فاتحه‌ی مصحف امید و بیم (۷)

ساخته طوقی ز فلک منتش گردن اکوان شده در بیعتش (۹)

قالب گردنده تو بی‌جان کنی باز رگ مرده تو شریان کنی (۱۱)

از تو جهان هستی جاوید یافت ماه شب و مهره‌ی خورشید یافت (۱۱)

گر بنوازی تو و گر افکنی من نتوانم ز تو بودن غنی (۱۵)

گر دهیم خواری اگر عزتی نیست مرا بر در تو حجتی (۱۵)

موسی و عیسی همه محتاج تو	هفت سما سَلَم معراج تو(۱۷)
پیش شبانی تو عالم رمه	سایه نداری که تو نوری همه(۱۸)
فذلکه هستی و خاتم تویی	غایت ایجاد در عالم تویی(۱۸)
نفس نبی، باب مدینه‌ی علوم	در کف او آهن مریخ موم(۱۹)
ای ید بیضای کَفَت ابر جود	ذات تو سرمایه نظم وجود(۲۰)
نعت جلال تو برون از حساب	اسم تو من عنده ام‌الکتاب(۲۱)

-سجع در کلام

نظامی

گوش سخا را ادب آموز کن

شمع سخن رانفس آموز کن(۱۶)

میرداماد

سرمه ده چشم عدم از وجود

نور ده جبهه چرخ از سجد

تضاد

نظامی

ز آتش تنهانه که از گرم و سرد

راستی مرد بود درع مرد(۷۱)

میرداماد

گردهیم خواری اگر عزتی

نیست مرا بدر توحجتی(۱۵)

جناس

نظامی

عقل ز بسیار خوری کم شود
دل چوسپرغم سپرغم شود (۷۸)
میرداماد
در شرف در صدف دل نهاد
دور افق بر کمر گل نهاد (۸)
مراعات النظیر
نظامی
تاج تو در تخت تو دارد جهان
تخت زمین آمد و تاج آسمان (۱۰)
میرداماد
کلک هنر نامزد تیر کرد
منزل کوکب دل تدویر کرد (۸)

مفاخره

میرداماد در پایان مثنوی مشارق الانوار، به تمجید و ستایش از سروده‌اش می‌پردازد و با تعریضی زیرکانه، مشارق الانوار را چونان انواری مشعشع به تصویر می‌کشد که مخزن الاسرار تنها سایه‌ای از آن محسوب می‌شود:

از قلم فیض رقم کردمش مشرق الانوار علم کردمش

تا که درخشنده بود ماه و هور تا نبود سایه درخشان چو نور

نور خرد مشرق انوار باد سایه‌ی او مخزن اسرار باد

گلشن اشراق از او تازه باد هر دو جهان زو پُرآوازه باد (۲۸)

از قضا، حکیم نظامی هم مخزن الاسرار خویش را با حدیقه الحقیقه‌ی سنایی مقایسه کرده و آن را برتر شمرده است:

نامه دو آمد ز دو ناموسگاه هر دو مسجّل به دو بهرام‌شاه

آن زری از کان کهن ریخته وین دری از بحر نو انگیخته
آن به در آورده ز غزنی علم وین زده بر سکه‌ی رومی رقم
گرچه درآن سکه سخن چون زراست سکه‌ی زر من از آن بهتر است
گر کم از آن شد بنه و بار من بهتر از آن است خریدار من

یکی دیگر از مظاهر مفاخره‌ی این دو شاعر، به مکانت و مرتبتی است که برای خودشان در عرصه‌ی اندیشگی و شعری قائل هستند:
نظامی

عاریت کس نپذیرفته‌ام آن‌چه دلم گفت بگو، گفته‌ام
شعبده‌ای تازه برانگیختم هیکلی از قالب نو ریختم
صبح روی چند ادب آموخته پرده ز سحر سحری دوخته...
مایه‌ی روشنی و شاهی در او مخزن اسرار الهی در او
بر شکر او ننشسته مگس نی مگس او شکرآلود کس
نوح در این بحر سپر بفکند خضر در این چشمه سبو بشکند... (۱۷)

میرداماد

خواجه‌ی فضل و ملک دانشم تکیه‌گاه از عقل و خرد بالشم
فکرت من، صاحب شرع هنر خاطر من، دفتر سرّ قدر

جان مرا کو به هنر تازه‌روست	طبع خوش از طوف نمایان اوست
فکر مرا کو ملک دانش است	دست طبایع رهی خواهش است
گر ملک‌ان جاه چو بدر منیر	عاریه گیرند ز تاج و سریر،
تاج، من از علم الهی کنم	تخت، من از فن طبیعی زنم
خاتم توقیع کنم هم‌تم	مملکت از هندسه و هیئت‌م
مسندم از معرفت بی‌زوال	مائده‌ام فقه و حدیث و رجال
دفتر تفسیر و اصول آورم	لشکری از خیل فحول آورم
باره، علوم عربیات من	خانه، فنون ادبیات من... (۲۶ و ۲۵)

نتیجه‌گیری

مخزن الاسرار نظامی در گستره‌ی وسیع ادب فارسی، همواره مورد توجه شاعران در سبک‌های مختلف فارسی بوده و نظیره‌گویی‌های فراوانی به اقتضای آن سروده شده است که غالباً چه در فرم و چه در محتوا با ناکامی همراه بوده‌اند. اما در میان این نظیره‌گویان، به میرداماد یکی از فلاسفه‌ی بزرگ عهد صفوی بر می‌خوریم که مشرق‌الانوار را در جواب آن سروده، و با وجود آن که این اثر ظاهراً ناتمام مانده و در مقایسه با مخزن الاسرار، ابیات محدودتری دارد اما هم در فرم و هم در محتوا، مولفه‌های سبکی مشترکی با مخزن الاسرار دارد که نوشته‌ی مستقلی می‌طلبد تا به تحلیل همه‌جانبه‌ی سبکی آن بپردازد و دقایق و ظرایف مغفول مانده این اثر را آشکار سازد. اما به هرروی، آن چه که در برآیندی کلی می‌توان گفت این است که اگر مخزن الاسرار نظامی در فرم شعری نمود چشمگیرتری دارد

مشرق الانوار میرداماد از غنای اندیشگی بالاتری برخوردار است. مضاف بر این ، بی آن که دچار اغراق گویی های متعارف شویم از حیث زبانی و ادبی جلوه های درخشانی دارد که به نمونه هایی از آن ها در مقاله ی حاضر اشاره کردیم. اندیشه ی قوی، ترکیبات بدیع تشبیهی واستعاری ، وزبانی نغز و روان در سرایش شعر از آن جمله است که این همه به شکل متعادل و متوازن در خدمت عاطفه ی شعری قرار گرفته است. به نظرنگارندگان مقاله، در پیوند میان عاطفه و اندیشه در شعر از سلف خود نظامی کامیاب تر بوده است.

فهرست منابع

۱. ابراهیمی دینانی، غلامحسین (۱۳۷۷) ماجرای فکر فلسفی در اسلام، تهران، طرح نو
۲. حمیدیان، سعید (۱۳۷۳) آرمانشهر نظامی، تهران، قطره
۳. شمیسا، سیروس (۱۳۸۲) سبک شناسی شعر، تهران: فردوس
۴. میرداماد، محمدباقرین محمد (۱۳۸۵) دیوان اشراق، پیشگفتار جويا جهانبخش، به کوشش سمیرا پوستین دوز، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب
۵. نظامی، الیاس (۱۳۸۴) کلیات، تصحیح وحید دستگردی، ۲ ج، تهران: نگاه،